



کوثر جوشان حق

عرشیان نالانند، لاهوتیان گریانند، فرشتگان آسمان چونان ابر بهاران دیده پربارند، لاله‌گان صحرا داغدارند، گل‌های رنگارنگ بساتین و باغ‌ها جامه‌درانند...

جام جم آنلایین: عرشیان نالانند، لاهوتیان گریانند، فرشتگان آسمان چونان ابر بهاران دیده پربارند، لاله‌گان صحرا داغدارند، گل‌های رنگارنگ بساتین و باغ‌ها جامه‌درانند، افلاکیان سرگشته و حیرانند، اشک‌ها بر رخ مومنان چونان رودهای جاری روانند، پیروان مصطفی سر به گریبانند و علی مرتضی و فرزندان‌ش دل سوختگانند که غم جانکاه به دوشند. اینان همگی به سوگ بزرگ بانویی نشسته‌اند که عصاره عصمت بود و آینه پاک. زلال کوثر بود و ترنم باران مهر الهی. ام‌ابیها بود و دختر پاک نبی. خامس آل‌عبا بود و همراز علی. آری، دست ملک‌الموت بی‌سبب نیست که لرزان مانده، چشم جبرئیل امین بی‌جهت نیست که مبهوت مانده. در عزای فاطمه است که شهر پیامبر را اندوه فراگرفته، در رثای فاطمه است که نخل‌ها پشت سرهم بر سر و سینه کوفته، در سوگ فاطمه است که ماه بغض‌ش را پشت ابرهای کبود پنهان ساخته، از غم فاطمه است که خورشید از تابیدن سر فروتافته، و البته چکیدن اشک حیدر به چاه، شباهنگام، تنها به خاطر داغ عطر یاس فاطمه است.

آری سخن از فاطمه (س) است، سید زنان دو عالم، محرم دیرین مصطفی، بانوی آفتاب و همسر بوتراب. مادر زینب، بزرگ بانوی کربلا، حسن، سرور اهل سخی و حسین، سید و فخر شهدا و صدالبته ائمه هدی. فاطمه‌ای که دریا غریق رحمت بی‌کران او و هفت آسمان تجلی‌گاه مهر بی‌پایان او است.

فاطمه‌ای که برهوت این دنیای خاکی شایستگی میزبانی چشمه‌سار همیشه جاری او را نداشت، فاطمه‌ای که تجسم راستین رحمت الهی بر خاکیان است، فاطمه‌ای که بشارت وحی و نوید خداوند به واپسین پیامبرش است. فاطمه‌ای که چهره‌اش از نور در احتجاب است. فاطمه‌ای که خدایش را چونان آینه است.

فاطمه‌ای که شرم و ادب از ادبش شرمسار است. فاطمه‌ای که عقل و خرد در پیشگاه ملکات و صفات ملکوتیش مات است.

فاطمه‌ای که آفتاب رشک بر رخس است. فاطمه‌ای که مهتاب خانه به دوش رویش است. فاطمه‌ای که چرخ فلک ریزه‌خوار جامش است.

فاطمه‌ای که شکوفه گلخانه رسول است. فاطمه‌ای که یاس کبود پیش او خار است. فاطمه‌ای که نامش با محمد و علی قرین است.

فاطمه‌ای که در موج حادثه‌ها حسینش سفینه نجات است. فاطمه‌ای که کوثر جوشان حق است. فاطمه‌ای که ذکرش چراغ راز و نیاز است و ...

آری، آنچه روشن است، بیش از این نه ذهن توان اندیشیدن دارد و نه دست یارای قلم فرسودن. نام فاطمه بسی فراتر از آن است که بتوان در چارچوب واژه‌ها و جمله‌ها به تبیین آن پرداخت. برای وصف کوثر تمامی کلمات نیز ابتر است.

امیر نعمتی لیمائی - جام‌جم